منوچهر جمالی

این ملت ، خودش هست که به خودش ، قانون اساسی میدهد

ملت نمیتواند به خودش یك قانون اساسی بدهد که درآن، خودش را از » اصل بنیادگذار قانون اساسی،واصل تغییر دهنده قانون اساسی« بیندازد . اگر چنین تناقضی در قانون اساسی باشد، آن قانون اساسی، به خودی خود، باطلست ، و نیازی به آن نیست،که کسی آنرا براندازد. پیش فرض هرقانون اساسی، آنستکه ملت،تنها قدرتیستکه خود به خود قانون اساسی میدهد، وطبعا مبدءهرگونه قانونگذاریست. و ملتی که خود به خود ، قانون اساسی دیگر میدهد، نام این کار،براندازی نیست. ملت، خود را برنمیاندازد ، بلکه قانون اساسی دیگری می نهد ، تا بیشتربه موجودیت ملی خود برسد. و این قدت را، همیشه برای خود نگاه میدارد، ودرصورتیکه ، چیزی بنام قانون اساسی گذارده شود،که این قدرت را، به شیوه ای،نفی و لغو ویا خدشه دارکند، آن قانون اساسی،خودش را باطل میسازد.هم قانون اساسی مشروطه، و هم قانون اساسی حکومت اسلامی، واجدچنین تناقضی بوده و هست .این اراه سیاسی ملت ایران است که» فوق هر قانون اساسی « قرار دارد. برای اراده سیاسی ملت ، » موجودیت ملت ایران «که بقای خود را میطلبد، مبدء و اساس هر تصمیم گیریست، وفراتراز این،هیچ مرجعی نیست. ملت ایران، بااراده سیاسی اش، بایستی » موجودیت ملت ایران رادرکلش« به عنوان» برترین اصل قانون اساسی « بپذیرد .» موجودیت و بقاء ملت ایران«،که فقط برپایه»فرهنگ اصیل ایران امکان پذیراست،برترین اصل قانون اساسی حقیقی است.اگراصلی برضداین برترین اصل، در قانون اساسی باشد، آن قانون اساسی ،باطلست. هر انتخابی، استواربر پذیرش» موجودیت ملت ایران، به عنوان» برترین اصل«است، و

اگر انتخابات، درراستای چنین پذیرشی نباشد ، امتناع از انتخاب، نشان اراده سیاسی ملت است، که موجودیت ملی خود را » پیش از هر قانونی« میخواهد . هر قانون اساسی که در ایران ، فاقد این برترین اصل باشد ، فاقد اعتبار است .